

«شهرآرا» این تیتر را با افتخار تقدیم می‌کند
به سپیدپوشان فداکار شهرمان که پنجه‌در‌پنجه کرونا افکنده‌اند

روز پرستار بدون «ننه‌صحافی» و «سارا خاتون» و «محمد»

روایتی از پرستاران مشهدی که در راه خدمت به بیماران کرونایی جان دادند

محدثه شوشتری
m.shushtari@shahraranews.ir

گزارش روز



رُزهای سفید را در دستشان گرفته‌اند و امسال راهشان را به‌جای محل کار پرستاران، سمت آرامستان کج می‌کنند. تا یادشان می‌آید، همیشه با یک بغل رز سفید به رنگ لباسشان، روز پرستار را جشن گرفته‌اند اما روز پرستار سال ۹۹ با تمام خاطراتی که از این روز به یادشان می‌آید، فرق دارد. روز پرستار سال ۹۹ به‌جای شمردن هدیه‌هایی که در این روز می‌گرفتند، تعداد پرستارانی را که کرونا جانشان را گرفته است، می‌شمارند! اول محمد شکری، بعد ننه صحافی‌مقدم و به‌تازگی سارا خاتون تیمورزاده.

کرونا از ابتدای شیوع تاکنون، جان ۲۳نفر از کادر بهداشتی و درمانی مشهد را گرفته است که نیمی از این ۲۳نفر، پزشک، چند نفر شامل نیروهای پشتیبانی و خدماتی و هشت‌تن از مجموعه کادر پرستاری بوده‌اند. در بین هشت‌مدافع سلامت که جزو کادر پرستاری جان‌باخته کرونا بودند، سه نفر پرستار بخش‌های درمان و پنج‌نفر دیگر بیماربَر و بهیار بودند. در آستانه روزی که به نام آن‌هاست، به روایت زندگی و خاموشی سه پرستار مدافع سلامت مشهدی پرداخته‌ایم.

محمد شکری، نخستین پرستار شهید مدافع سلامت



در یک سپیده‌دم نفس‌هایش به شماره افتاد. صحنه برایش ناآشنا نبود. پنج‌ماه تمام از اسفند ۹۸ تا تیر ۹۹ به شمارش افتادن نفس‌های بیماران کرونایی را به چشم دیده بود. بر سر بالین آن‌ها پرستاری کرده و چه شب‌هایی تا سپیده‌دم، چشم به نفس‌های بیماران دوخته بود. حالا خودش روی همان تختی افتاده بود که تا چند شب قبل، کنارش می‌ایستاد و برای بندنیامدن نفس‌های بیماران کرونایی، تمام تلاشش را می‌کرد. برای دیگر پرستاران، دیدن «محمد شکری» روی تخت بیماران کرونایی، هم سخت بود و هم دلهره‌آور. اینکه خدمت به بیماران کرونایی هر لحظه می‌تواند آن‌ها را از کنار تخت، به افتادن بر تخت و بستر بیماری بکشاند. محمد شکری بین همین دلهره‌های همکارانش و درست در نخستین ماه‌های پنجاهمین بهار زندگی‌اش بعد از ۲۴سال پرستاری رفت تا نامش به‌عنوان نخستین پرستار مدافع سلامت مشهد ثبت شود. فریبا طالبی‌مقدم، همسر این پرستار، از روزهایی می‌گوید که محمد پرستار بیماران کرونایی بود و در پایان جانش را در این راه داد. او تقویم روزهای سیاه کرونا را به اولین ماه تابستان ۹۹ برمی‌گرداند که در حین خدمت، همسرش متوجه بروز علائم کرونا می‌شود. ۲۶تیرماه، اسکن ریه، درگیرشدن او با کرونا را تأیید می‌کند و محمد را در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان ثامن‌الائمه(ع) که محل خدمت خودش به بیماران کرونایی بود، بستری می‌کنند. دیگر همکاران پرستار او و همسرش که در بیمارستان، شبانه‌روز از او پرستاری می‌کرد، تمام تلاش خود را می‌کنند اما در نهایت هفدهم مرداد، کرونا جان محمد را می‌گیرد.

به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود

محمد به‌جز بیمارستان ثامن‌الائمه(ع)، پرستار بهداری زندان مشهد هم بود. همسر این پرستار، از گریه زندانیان بعد از رفتن محمد می‌گوید و اینکه او زندان را با جان و دل برای خدمت به آدم‌هایی که در بند هستند، انتخاب کرده بود. وقتی خبر به گوش زندانیان می‌رسد که کرونا جان پرستار بهداری آن‌ها را گرفته است، همه جلو بهداری زندان جمع می‌شوند و برای رفتنش اشک می‌ریزند. شاید محمد تنها کسی بود که آن‌ها را نه به چشم یک زندانی، که به چشم یک انسان و نیازمند به کمک‌رسانی می‌دید و برای جان آن‌ها ارزش قائل می‌شد.

فریباخانم عکسی از روزهای بستری محمد در بخش کرونایی بیمارستان ثامن‌الائمه(ع) نشانمان می‌دهد که زن و شوهر برای دخترانش دست تکان داده و امید داده‌اند که بابا به خانه برمی‌گردد. اما دختران برای همیشه چشم‌به‌راه و دلتنگ پدر مانده‌اند. تمام مدتی که محمد در بیمارستان بستری بود، همسرش با پوشیدن لباس‌های محافظ، از او پرستاری کرد. او می‌گوید: من حتی لحظه احتضار هم کنار محمد ماندم و به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود.

فریباخانم از عاشقانه‌های زندگی مشترکش حرف برای گفتن، زیاد دارد اما این روزها او و دخترانش خیلی دلتنگ پرستاری هستند که سال‌ها آرامش و مهربانی‌اش، گرمابخش خانه‌شان بود. بیشتر از همه، مهدیه، دختر کوچکشان، بی‌قراری می‌کند. مهدیه تازه به نُه‌سالگی پا گذاشته و چادر سفید، آخرین هدیه‌ای است که پدر برای جشن تکلیف نُه‌سالگی‌اش، درست چند هفته قبل از رفتنش، به او داده بود.

ننه صحافی‌مقدم، دومین پرستار شهید مدافع سلامت



بیمارستان شریعتی، اولین مرکز درمانی مشهد بود که به بخش ویژه درمان بیماران کرونایی اختصاص یافت. پرستاران این بیمارستان تعدادشان کم بود و روزبه‌روز بر تعداد بیماران افزوده می‌شد. وقتی بین جامعه پرستاران مشهد اعلام کردند که برای این بیمارستان و پرستاری از بیماران کرونایی نیروی داوطلب نیاز دارند، «ننه صحافی‌مقدم» جزو اولین پرستارهایی بود که داوطلب شد. محل خدمتش بیمارستان امید بود اما از نوروز ۹۹ با انتخاب خودش، از آنجا به بیمارستان شریعتی رفت. اوضاع روزبه‌روز در بیمارستان شریعتی برای بیماران کرونایی وخیم‌تر می‌شد و هر لحظه این پرستار احتمال می‌داد که ویروس کرونا از بیماران به او منتقل شود. او به چشم دیده بود که کرونا مرز مرگ و زندگی را چقدر باریک کرده است؛ به‌همین‌دلیل به‌طور موقت خانه‌ای جداگانه از خانه زندگی‌اش اجاره کرد تا شش‌فرزند دخترش درمعرض ابتلا به کرونا نباشند و خودش به‌همراه همسرش به خانه اجاره‌ای رفتند. خانم صحافی‌مقدم، همه این راه‌ها را برای خدمت به بیماران کرونایی در پیش گرفت و درنهایت در این راه از جانش گذشت.

از بین شش‌دختر، یکی از دختران راه و پیشه مادر را در پیش گرفته است. او هم لباس سپید پرستاری بر تن کرده و این روزها در بیمارستان اکبر مشهد مشغول پرستاری است. زهرا کرانی، دختر این پرستار مدافع سلامت مشهد، در گفت‌وگویی با ما از روزهای سختی می‌گوید که مادرش زندگی‌اش را وقف خدمت به بیماران کرونایی کرد.

زهرا می‌گوید: خواهر بزرگ‌ترم در مدت شش‌ماهی که مادرم در بخش بیماران کرونایی خدمت می‌کرد، باردار بود. به‌همین‌دلیل مادرم خودش را از دخترانش دور نگه داشت اما غم دلتنگی، دوری و نگرانی را در صدای پشت تلفنش و چهره‌اش که هر بار می‌دیدیم، نمی‌توانست پنهان کند. خواهر کوچکم فقط سیزده‌سالش است. خواهرهای دیگرم هم هرکدام مشغول درس‌هایشان بودند. مادر نمی‌خواست انتخاب خودش برای خدمت به بیماران کرونایی باعث ابتلای ما شود. همه این سختی‌ها را به خاطر خدمت به بیماران کرونایی به جان خرید. هر بار که می‌خواست ما را ببیند، تست کرونا می‌داد. درست همان روزهایی که برای اولین‌بار می‌توانست حس مادربزرگ‌شدن و داشتن نوه را تجربه کند، درگیر پرستاری از بیماران کرونایی بود و نتوانست حتی نوه‌اش را در آغوش بگیرد. زهرا می‌گوید: خواهرم اواسط شهریور زایمان کرد اما مادرم نتوانست برای دیدنش بیاید. هم برای او و هم ما شش‌دختر روزهای خیلی سختی گذشت.

خانم صحافی‌مقدم درنهایت بعد از شش‌ماه خدمت به بیماران کرونایی در بیمارستان شریعتی، ۱۵مهرماه بعد از ۱۸سال خدمت به جمع پرستاران شهید مدافع سلامت پیوست. به گفته دخترش، نه بیماری زمینه‌ای داشت و نه مشکل خاص دیگری که نتواند با کرونا مبارزه کند. سن زیادی هم نداشت؛ چهل‌وهفت‌ساله بود و خیلی سرحال و پرانرژی. دختران هنوز به مادر نیاز داشتند و از همه بیشتر، دختر ته‌تغاری مادر که هنوز هم شب‌ها برای رفتن مادر گریه می‌کند.

سارا خاتون، سومین پرستار مشهدی که از جان گذشت



قرار بود امسال بازنشسته شود. امسال سی‌امین سال پرستاری‌اش در راه خدمت به بیماران سپری شد اما کرونا نگذاشت به خط پایان کار و بازنشستگی برسد. سه دهه از ۵۶سال زندگی‌اش را در سخت‌ترین بیمارستان‌های مشهد از نظر کار گذراند؛ چند سال در بیمارستان حجازی و بیشتر از ۲۰سال در بیمارستان ابن‌سینا. پرستاری در این بیمارستان‌ها فقط صبر و حوصله و اعصاب نمی‌خواهد، چیزی فراتر از این‌ها. شاید فقط عشق به کار پرستاری، سارا خاتون را این همه سال در این بیمارستان‌ها با شرایط خاص بیمارانش نگه داشت، وگرنه انتقال و جابه‌جایی به بیمارستانی دیگر برایش نشدنی نبود. تنها دخترش این‌ها را با حسرت از لبخندی که برای همیشه خاموش شده، تعریف می‌کند. سمیه خالقی، دختر این پرستار مدافع سلامت مشهدی، می‌گوید: همیشه همکاران مادرم می‌گفتند چطور سارا خاتون در این شرایط عجیب و سخت و بیماران بستری در بیمارستان حجازی و ابن‌سینا می‌تواند همیشه لبخند به چهره‌اش داشته باشد؟ داشتن این همه صبر و آرامش در آن شرایط خاص، سخت بود.

حرف‌های سمیه یادآور گلایه پرستاران بیمارستان‌های حجازی و ابن‌سیناست که مدتی قبل از کرونا سراغ آن‌ها رفته بودیم. تقریبا هیچ پرستاری نبود که از بیمار کتک نخورده یا بیمار بر سرش داد نزده باشد. ولی در همان حین کتک‌خوردن، پرستار به بیمار رسیدگی می‌کرد. حالا در این شرایط، سارا خاتون سال‌ها بر بالین چنین بیمارانی ایستاده، با همان لبخند همیشگی. امسال در شرایط کرونا بسیاری از همکاران پرستارش به او گفته بودند اگر جای سارا خاتون بودند، درخواست بازنشستگی می‌کردند؛ چون سال آخر کارش بود و از نظر ساختار قانونی، می‌توانست از بازنشستگی پیش از موعد استفاده کند اما او قبول نکرده بود.

دخترش می‌گوید: همیشه می‌گفت که طاقت نشستن در خانه و بازنشستگی را ندارد و حتی بعد از بازنشستگی هم می‌خواهد به‌عنوان پرستار در مرکزی درمانی کار کند. شاید همین عشق او را تا یک هفته قبل از رفتنش، بر سر بالین بیماران نگه‌داشت. هفته اول آذر، سرفه به جان سارا خاتون افتاد. یقین داشت کرونا به جانش رسوخ کرده. در طول این ماه‌ها، بیمار کرونایی کم ندیده بود. با یک اسکن از ریه‌هایش، ابتلایش به کرونا تأیید شد. تنها دخترش و تنها پسرش که این روزها در حال خدمت سربازی است، نگران حال مادر، به تشخیص پزشک، او را در بیمارستان امام‌رضا(ع) مشهد بستری کردند، اما یک شب بیشتر میهمان این بیمارستان نماند و نفس این پرستار به آخر رسید. سمیه از آخرین شب زندگی مادر پرستارش فقط یک جمله می‌گوید: ۳۰سال در شیفت‌های سخت شب و شیفت‌های طولانی روز، پرستار بیماران در بیمارستان‌ها بود اما خودش زحمت یک شبانه‌روز کامل برای پرستاری از خودش را به ما و دیگر کادر درمان نداد. همان‌قدر که مهربان و پُر از آرامش بود، خیلی آرام چشم بر دنیا بست.

مدیر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد:

نیمی از پرستاران بخش کرونایی شهرمان به کووید ۱۹ مبتلا شده‌اند



روز پرستار سال ۹۸ مثل خیلی از روزهایی که در تقویم سال‌های قبل‌تر رسیده بود، آمد و رفت با همان درددل‌های همیشگی پرستاران از حقوق و مزایای کم، قانون استخدامی، معوقات و استاندارد نبودن ساعات کاری. هیچ‌کس نمی‌دانست قرار است تا روز پرستار سال ۹۹، عجیب‌ترین و متفاوت‌ترین دوران در بیمارستان‌ها و کار آن‌ها حاکم شود. حالا روز پرستار رسیده و شاید متفاوت‌تر از حداقل یک قرن گذشته، وقتی پای مشکلات و درددل‌های پرستاران بنشینی، همه حرف‌ها به یک موضوع ختم شود؛ کرونا و سایه سیاه آن بر سر سفیدپوشان.

۱۰ماه عجیب در بیمارستان‌ها سپری شد؛ کرونا خیلی مرموزتر از آن بود که با خوش‌بینی‌ها و امیدهای روزهای اولی که برای پایان آن پیش‌بینی می‌شد، تمام شود، درست همان روزهای اولی که پرستاران با چالش رقص، به شکستن فضای سنگین بیمارستان‌ها و امیددادن به بیماران رفتند. اما این چالش خیلی طول نکشید. فضای سنگین بیمارستان‌ها پُر از درد شد و تقلا میان مرگ و زندگی. حالا نفس‌های بیماران هر لحظه به شماره می‌افتد و پرستاران در همین لحظات نفس‌گیر، روزها و ماه‌ها را تحمل می‌کنند.

هم‌زمان با روز پرستار، بخشی از سختی‌ها و گلایه‌های پرستاران را با مدیر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد درمیان می‌گذاریم. امیررضا صالح‌مقدم در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره وضعیت کادر پرستاری توضیح می‌دهد: در خراسان‌رضوی ۸هزار و ۲۰۰نفر در کادر پرستاری نیرو داریم که شامل تخصص‌ها و مقاطع مختلف پرستاری و کمک‌پرستاری هستند و در مراکز درمانی فعالیت می‌کنند. حدود ۵۰درصد از این پرستاران در بخش‌های کرونایی مشغول به خدمت هستند.

به گفته این مسئول در حوزه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد، از ابتدای شیوع کووید ۱۹ تاکنون، حداقل نیمی از پرستاران بخش کرونا به این ویروس مبتلا شده‌اند. از این میان، هشت‌نفر از کادر پرستاری هم جانشان را بر اثر این بیماری از دست دادند.

دکتر صالح‌مقدم درباره این نکته که پرستاران حتی باوجود کار در شرایط سخت کرونا باز هم مطالبات پرداخت‌نشده و گلایه‌های فراوانی دارند، می‌گوید: برخی از مطالبات صنفی و حقوقی پرستاران پرداخت شده و بخشی به‌دلیل مشکلات مالی دولت باقی مانده است. درعین‌حال از دولت انتظار می‌رود در این شرایط علاوه‌بر تأمین اعتبار موردنیاز در حوزه درمان، شغل پرستاری را به‌عنوان سخت و زیان‌آور در نظر بگیرد تا این قشر از مزایای بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور هم بهره‌مند شوند.

وی درباره دیگر گلایه پرستاران از فشار شدید کاری و متناسب‌نبودن تعداد پرستار با تخت‌های بیمارستانی و تشدید این وضعیت در ایام کرونا، توضیح می‌دهد: وضعیت اشتغال پرستاران ما با استانداردهای بین‌المللی و حتی کشوری تفاوت دارد. در استاندارد بین‌المللی به‌ازای هر تخت بیمارستانی، سه تا چهار پرستار، اما در ایران به ازای هر تخت، یک و هشت‌دهم پرستار داریم. متأسفانه در بیشتر بخش‌های درمان، از همین استاندارد کشوری هم عقب هستیم. این عدد در مجموعه دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بین یک تا یک‌دهم است. این مسئله هم در کیفیت ارائه خدمات به بیماران تأثیر دارد و هم در فشار کاری و خستگی پرستاران.

مدیر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد در پاسخ به این پرسش که چرا پرونده جان‌باختگان کادر پرستاری هنوز به‌صورت رسمی جزو شهدای خدمت کامل نشده است، می‌گوید: پرونده این پرستاران را به ارگان‌های مرتبط ارجاع داده‌ایم تا مراحل رسیدگی، پیگیری شود و عنوان «شهید خدمت» به این عزیزان اطلاق شود و آیندگان به نیکی از زحمات پرستاران مدافع سلامت یاد کنند.



آگهی مناقصه عمومی
شماره مناقصه ۳/۹۹/۱۲
موضوع: احداث پل انتهای خیابان بلال ۴ به خواجه ربیع ۷ و اصلاح مسیرهای دسترسی
مبلغ برآورد: ۲۰،۶۸۵،۷۳۲،۱۵۶ ریال و بصورت نقد
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http:\\ets.mashhad.ir مراجعه نمائید و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir درج می‌گردد.
امور قراردادهای شهرداری منطقه سه مشهد

آگهی مناقصه عمومی
شماره مناقصه ۱۲/۹۹/۱۸
موضوع: احداث معبر سواره رو مهدیه به آزادی - مبلغ برآورد اولیه ۴۸،۷۰۳،۷۸۴،۱۲۶ ریال
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http:\\ets.mashhad.ir مراجعه نمائید و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir درج می گردد. تلفن تماس: ۰۵۱۳۱۲۹۶۲۱۶ - ۰۵۱۳۱۲۹۶۳۳۱
امور قراردادها و پیمان‌های شهرداری منطقه ۱۲

